

Subject: Iran's People Are Not the Regime — The Problem Is the Constitution

March 10, 2026

Dear Mr. President,

For many years, whenever I have had political discussions about Iran, a famous American campaign phrase has come to mind: "It's the economy, stupid." In the case of Iran, however, the more accurate phrase would be: "It's the Constitution."

No matter what the discussion is about—whether it concerns the IRGC, corruption by government officials, political prisoners, women's rights, freedom of speech, media censorship, executions, poverty, economic crises, terrorism, or even war—the same answer repeatedly appears: the Constitution of the Islamic Republic.

Ayatollah Khomeini began his political campaign in the 1960s by accusing the Shah of violating Iran's Constitution. According to the Constitutional Monarchy of Iran (Mashrooteh Constitution), the Shah had to be a Shiite Muslim, and his first duty was to protect and promote the Shiite faith. The constitution also granted the clerical establishment certain privileges and influence.

In 1979, however, Khomeini deceived the Iranian people—and even the administration of President Carter. The first slogan of the revolution was "Independence, Freedom, Constitution." This slogan dominated the revolutionary movement until the referendum of April 1979. After that referendum, the slogan was changed to "Independence, Freedom, Islamic Republic."

Six months later, a secular constitution that had been drafted in Paris by twelve scholars—and initially accepted by Khomeini—was set aside. Instead of forming a true Constitutional Assembly (Moassesan), the regime renamed the body the Assembly of Experts (Khobregan). This body then produced a new constitution based on the doctrine of Velayat-e Faqih, the rule of the supreme jurist.

This document functions less as a normal constitution and more as a manifesto of ideological hostility toward America and the West.

The hostage crisis, militant regional policies, and decades of confrontation with the United States are not accidents of leadership. They are rooted in the structure and ideology embedded in the Constitution of the Islamic Republic.

For forty-seven years, the actions of the regime have followed the logic of that constitution.

Therefore, it makes little difference who serves as Supreme Leader, President, or members of Parliament. As long as the current constitution remains in force, no Iranian official has the authority to fundamentally change the regime's direction.

Replacing a leader—or even removing one—will not change the system’s behavior. Only changing the constitution can change the regime’s behavior.

In the same way that Iran’s people should not be confused with the regime that rules them, the world should also recognize that the true source of the regime’s behavior lies in its constitutional structure.

For years, many Iranian activists and intellectuals have called for the formation of a Constitutional Assembly to replace the current system. The Iranian people are waiting for policymakers in the United States to carefully read the Constitution of the Islamic Republic and see for themselves how hostility toward America and its allies is embedded within it.

Mr. President, Iran’s people are not the regime — but the regime is exactly what its constitution was designed to produce.

Respectfully,  
Sohrab ChamanAra  
[www.CyrusForce.org](http://www.CyrusForce.org)

نسخه فارسی

دهم مارس 2026

موضوع: مردم ایران رژیم نیستند — مشکل قانون اساسی است

آقای رئیس‌جمهور،

سال‌هاست که هرگاه درباره ایران با کسی بحث سیاسی می‌کنم، یک جمله معروف از کارزارهای انتخاباتی آمریکا به ذهن می‌آید: «مشکل اقتصاد است، احمق!» اما درباره ایران جمله درست‌تر این است: مشکل قانون اساسی است

فرقی نمی‌کند که موضوع بحث چه باشد — چه درباره سپاه پاسداران، فساد مقامات دولتی، زندانیان سیاسی، حقوق زنان، آزادی بیان، سانسور رسانه‌ها، اعدام‌ها، فقر، بحران‌های اقتصادی، تروریسم، یا حتی جنگ — پاسخ تقریباً همیشه یک چیز است: قانون اساسی جمهوری اسلامی.

آیت‌الله خمینی در دهه شصت میلادی مبارزه سیاسی خود را با این ادعا آغاز کرد که شاه قانون اساسی را اجرا نمی‌کند. طبق قانون اساسی مشروطه، شاه باید شیعه باشد و نخستین وظیفه او حمایت و گسترش مذهب شیعه بود. در مواد دیگر آن قانون نیز روحانیت از حقوق و امتیازات خاصی برخوردار بود.

اما در سال ۱۹۷۹ خمینی مردم ایران — و حتی دولت رئیس‌جمهور کارتر — را فریب داد. نخستین شعار انقلاب «استقلال، آزادی، قانون اساسی» بود. این شعار تا همه‌پرسی فروردین ۱۳۵۸ شعار اصلی انقلاب بود. پس از آن، این شعار به «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» تغییر یافت.

شش ماه بعد، پیش‌نویس یک قانون اساسی سکولار که در پاریس توسط دوازده حقوق‌دان نوشته شده بود و خمینی نیز در ابتدا با آن موافقت کرده بود، کنار گذاشته شد. به جای تشکیل مجلس مؤسسان، نام آن را به مجلس خبرگان تغییر دادند و این مجلس قانون اساسی جدیدی بر پایه نظریه ولایت فقیه تدوین کرد.

این متن بیش از آنکه یک قانون اساسی عادی باشد، در واقع مانیفست یک نظام ایدئولوژیک با خصومت ساختاری نسبت به آمریکا و غرب است.

گروگان‌گیری سفارت آمریکا، سیاست‌های تهاجمی منطقه‌ای، و دهه‌ها رویارویی با ایالات متحده تصادفی نبوده‌اند؛ بلکه ریشه در ساختار و ایدئولوژی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی دارند.

در طول چهل و هفت سال گذشته، رفتارهای رژیم دقیقاً در چارچوب همین قانون اساسی شکل گرفته است.

بنابراین فرقی نمی‌کند که چه کسی رهبر باشد، چه کسی رئیس‌جمهور باشد، یا چه کسانی در مجلس حضور داشته باشند. تا زمانی که این قانون اساسی برقرار است، هیچ مقام رسمی در ایران نمی‌تواند جهت اساسی سیاست‌های رژیم را تغییر دهد.

تغییر یا حتی حذف یک رهبر، رفتار این نظام را تغییر نخواهد داد. تنها تغییر قانون اساسی می‌تواند رفتار این رژیم را تغییر دهد.

همان‌طور که مردم ایران را نباید با رژیمی که بر آنان حکومت می‌کند یکی دانست، باید دانست که ریشه رفتارهای این رژیم در ساختار قانون اساسی آن است.

سال‌هاست که بسیاری از فعالان و روشنفکران ایرانی خواستار تشکیل مجلس مؤسسان برای تغییر قانون اساسی شده‌اند. مردم ایران منتظرند که سیاست‌گذاران ایالات متحده قانون اساسی جمهوری اسلامی را با دقت بخوانند و ببینند که چگونه خصومت با آمریکا و متحدانش در ساختار آن نهادینه شده است.

آقای رئیس‌جمهور، مردم ایران رژیم نیستند؛ اما این رژیم دقیقاً محصول همان قانون اساسی است.

با احترام

سهراب چمن‌آرا

سایروس فورس آمریکا – پیروان کوروش ایران